

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پور حسین

صفحه آرا:

صفر علی اخلاقی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)
- علی نهاوندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

Examining the Existential Ruling of Submerging Head in Water for the Fasting Person

Seyed Mohammad Mehdi Hosseini¹

Abstract

The existential and obligatory ruling of submerging the entire head in water while fasting is one of the issues faced by Muslims and disputed among Islamic jurists throughout the history of jurisprudence. One of the major opinions in the matter is the obligatory prohibition of this act, without establishing makeup and atonement; therefore, the main question is whether there is acceptable evidence for proving obligatory prohibition without establishing makeup and atonement? Due to the relevance of this ruling for all accountable individuals and specifically for those like divers whose occupation necessitates submerging their head in water, this research is of greater importance. The most important innovations of this research are the distinction in the main subject and criticism of the specific fatwa in this matter. The research method in this article is revelatory transmissional and jurisprudential. Information gathering is through written documents and computer systems and scientific software, and the data processing method is descriptive, analytical, and critical. The main results of the research are: 1. The understanding of obligatory prohibition without existential prohibition from the narrations of the chapter has unanswerable problems. 2. Narratives prohibiting immersion have semantic contradiction with first and fourth category narratives, and conventional reconciliation between narratives is not in favor of the mentioned view. 3. Proving the prohibition of immersion due to precaution against water entering the throat is also not possible. 4. In case of lack of jurisprudential evidence due to contradiction of narratives and lack of preference, the result of practical principle is exemption from obligatory prohibition of immersion while fasting.

Keywords: Fasting Person's Immersion, Obligatory Prohibition, Conventional Reconciliation, Practical Precaution, Practical Principle

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیستم و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت، ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش، ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

بررسی حکم وضعی فرو بردن سر در آب برای روزه‌دار

سید محمد مهدی حسینی^۱

چکیده

حکم وضعی و تکلیفی فرو بردن تمام سر در آب در حال روزه، از مسائل مبتلابه مسلمانان و مورد اختلاف فقهای اسلام در طول تاریخ فقه است. یکی از اقوال عمده در مسئله، حرمت تکلیفی این عمل، بدون ثبوت قضا و کفاره است؛ از همین رو سؤال اصلی این است که آیا دلیل قابل قبولی برای اثبات حرمت تکلیفی بدون ثبوت قضا و کفاره وجود دارد؟ به جهت مبتلا بودن این حکم برای همه مکلفان و به طور خاص برای کسانی که همچون غواصان لازمه شغل آنان فرو بردن سر در آب است؛ این پژوهش از اهمیت بیشتری برخوردار است. مهم‌ترین نوآوری‌های این پژوهش، تفکیک در اصل موضوع و نقد فتوای خاص در این مسئله است. روش پژوهش در این مقاله نقلی و حیانی و اجتهادی است. گردآوری اطلاعات از طریق اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی، تحلیلی و انتقادی است. اهم نتایج پژوهش بدین قرار است: ۱- استظهار حرمت تکلیفی بدون حرمت وضعی، از روایات باب، اشکالات بدون پاسخی دارد. ۲- روایات نهی کننده از ارتماس، با روایات دسته اول و چهارم تنافی مدلولی دارد و جمع عرفی بین روایات به نفع دیدگاه یاد شده نیست. ۳- اثبات حرمت ارتماس به جهت احتیاط از وارد شدن آب به حلق نیز ممکن نیست. ۴- در فرض فقدان دلیل اجتهادی به جهت تعارض روایات و عدم ترجیح، نتیجه اصل عملی براءت از حرمت تکلیفی ارتماس در حال روزه است. واژگان کلیدی: ارتماس روزه‌دار، حرمت تکلیفی، جمع عرفی، احتیاط عملی، اصل عملی.

مقدمه

یکی از کارهایی که فقهای امامیه فی الجمله آن را در حال روزه ممنوع شمرده‌اند، فروبردن تمام سر در آب است که از آن به ارتماس یاد می‌شود. مذاهب اربعه عامه به اتفاق ارتماس را خارج از مفطرات روزه می‌دانند (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۵۶). بین فقهای امامیه اختلاف شدیدی نسبت به حکم ارتماس هم از جهت تکلیفی و هم از جهت حکم وضعی و باطل‌کننده بودن ارتماس و یا عدم آن نسبت به روزه وجود دارد و اقوال متعددی از آن‌ها ظاهر شده است. یکی از دیدگاه‌های مهم در این مسئله که از سوی برخی از فقهای متقدم و جمعی از متأخران پذیرفته شده است؛ حرمت تکلیفی و عدم وجوب قضا و کفاره است. صاحبان این دیدگاه، همه به روایات باب برای اثبات دیدگاه خود استناد نموده‌اند؛ اما چگونگی این استناد یکسان نبوده است. ناقدان این دیدگاه نیز اشکالات مختلفی بر این نظر مطرح نموده‌اند، این پژوهش به دنبال ارزیابی کامل این فتوا با بررسی مستندات این دیدگاه و اشکالات وارد شده بر آن است. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا در مسئله ارتماس روزه‌دار در آب، دلیل قابل قبولی برای اثبات قول دوم؛ یعنی حرمت تکلیفی و عدم حرمت وضعی و عدم وجوب قضا و کفاره وجود دارد؟ پاسخ به سؤالات فرعی ذیل در این جهت راهگشاست.

- ۱- آیا اثبات حرمت ارتماس با روایات نهی‌کننده از ارتماس ممکن است؟
 - ۲- آیا استظهار حرمت از روایات ناهیه با روایات دلالت‌کننده بر مفطر بودن و روایت نفی قضا و کفاره قابل جمع عرفی است؟
 - ۳- آیا امکان اثبات حرمت ارتماس به جهت احتیاط از فرورفتن آب در حلق وجود دارد؟
 - ۴- در صورت عدم امکان اثبات حرمت با ادله اجتهادی، مقتضای اصل عملی در مسئله لزوم اجتناب از ارتماس چیست؟
- پیچیده بودن مسئله حکم ارتماس و وجود فتاوای مختلف در مسئله سبب ضرورت تحقیق تفکیکی در مسئله در فتاوای مهم در این مسئله، به جهت تمرکز

بیشتر بر ادله و اشکالات آن است. عدم پژوهش مستقل در فتوای مورد تحقیق در این مسئله این ضرورت را نمایان‌تر می‌سازد. تسهیل عملی فتوای مورد بحث برای مکلفان به جهت نفی وجوب قضا و کفاره در فرض ارتماس به جهت عصیان و یا اضطرار، جهتی دیگر در ضرورت پژوهش در این مسئله است.

روش پژوهش در این مقاله نقلی و حیانی و اجتهادی است. گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی بوده است و روش داده‌پردازی توصیفی، تحلیلی و انتقادی است.

۱. مسئله ارتماس روزه‌دار در آب و فروع مرتبط با آن از دیرباز در کتاب‌های فقهی علمای امامیه مطرح بوده است. اولین مکتوب فقهی که در آن حکم ارتماس روزه‌دار مطرح شده است کتاب «فقه الرضا» منسوب به امام رضا علیه السلام است که در آن احتراز از ارتماس در آب، شرط تمامیت روزه واجب شمرده شده است (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۳) این مسئله در کلام فقهای متقدم شیعه همچون ابن ابی عقیل، شیخ صدوق؛ شیخ مفید و شیخ طوسی مطرح بوده است (عمانی، ۱۴۱۳، ص ۲۸۰؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۵). فقهای بعدی نیز در کتاب‌های فقهی متعدد خود حکم ارتماس روزه‌دار در آب و دلیل‌های خود را برای این حکم ذکر نموده‌اند. در آثار فقها در طول زمان، رشد بحث‌های استدلالی پیرامون این حکم اتفاق افتاده است و در کتاب‌های فقهای متأخر، بحث‌های گسترده و دقیق‌تری پیرامون این مسئله دیده می‌شود. بحث‌های دقیق فقهی کاشف الغطاء، صاحب جواهر، شیخ انصاری و محقق همدانی در مورد حکم ارتماس روزه‌دار، بسیار فراتر از تحقیقات فقهای متقدم بر آنان است. فقهای معاصر نیز در درس‌های خارج فقه با توسعه‌ای بیشتر، مباحث اصولی، فقهی و رجالی مربوط به روایات را در این مسئله مورد بررسی قرار داده‌اند. تنها پژوهش مستقلی که نگارنده در این موضوع به آن دست یافته است، «رساله فی حکم الارتماس للصائم» نوشته محقق ماحوزی است که در صدد اثبات دیدگاه مورد نقد در این پژوهش است. ادله این پژوهش در بررسی ادله دیدگاه دوم مورد مناقشه قرار گرفته است. مقاله «تأملی بر حکم ابطال روزه با فروبردن سر در آب» نیز در پی نقد دیدگاه

مشهور بین متأخران در حرمت وضعی و تکلیفی ارتماس در حال روزه است (کیخا و مؤذنی، ۱۴۰۰ش، ش ۴، صص ۱۳۳-۱۶۰). با وجود اشتراک بخشی از ادله و عدم موافقت نگارنده با استدلال‌های مطرح شده و دیدگاه برگزیده در آن، جهت بحث آن با جهت بحث پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

مهم‌ترین نوآوری‌های این پژوهش عبارت‌اند از: تفکیک در اصل موضوع و نقد فتوای خاص در این مسئله، بررسی جامع ادله اجتهادی در این جهت و بررسی جامع مقتضای اصل عملی.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. حکم

«حکم» در لغت، مصدر به معنای قضاوت کردن و منع از ظلم است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۰۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۱). در اصطلاح فقهی حکم عبارت است از: «اعتبار شرعی که مستقیم یا غیر مستقیم به فعل مکلف تعلق می‌گیرد» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۴۹). یکی از تقسیمات حکم، تقسیم آن به حکم تکلیفی و وضعی است. «حکم تکلیفی انشاء صادر شده به داعی بعث وزجر و یا ترخیص است که شامل پنج قسم وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است. حکم وضعی هر حکم مجعول منشأ است که حکم تکلیفی نیست» (مشکینی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۱).

۱-۲. مُفَطَّر

«فَطَّر» در لغت به معنای شکافتن است و «فَطَّرَ الْأَمْرَ» به معنای اختراع و ایجاد چیزی است و «فَطَّرَ الصَّائِمَ» به معنای خوردن و آشامیدن روزه‌دار است. در اصطلاح فقها «مُفَطَّر» در بسیاری از موارد بر عده‌ای از افعال خاص اطلاق می‌شود که ترک آن‌ها قید طبیعت روزه اخذ شده است (مشکینی، بی تا، ص ۵۰۷). بسیاری از فقها فروبردن سر در آب را یکی از مفطرات روزه دانسته‌اند.

۳-۱. ارتماس

اصل معنای ماده «رمس» معنای تغطیه و پوشاندن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۳۹). «ارتماس» به معنای فرورفتن در آب است به شکلی که همه بدن در آب مخفی شود (ابن منظور، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۰۲). ارتماس در کلمات فقها به همان معنای لغوی است و اصطلاحی خاص در مقابل معنای لغوی نیست. در روایات نیز ارتماس به همان معنای لغوی و عرفی به کار رفته است.

۲. بررسی امکان استظهار حرمت تکلیفی بدون ثبوت قضا و کفاره از روایات

۲-۱. اقوال مهم در مسئله

در مسئله حکم ارتماس روزه‌دار اجماع و یا شهرت محقق وجود ندارد. به علاوه، شهرت فتوایی در صورت تحقق نیز نزد محققان اصولی اماره‌ای معتبر برای اثبات حکم شرعی نیست. در این مسئله نزد فقهای امامیه دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها سه دیدگاه است: ۱- حرمت تکلیفی و حرمت وضعی به معنای وجوب قضا و کفاره، ۲- حرمت تکلیفی بدون قضا و کفاره، ۳- کراهت تکلیفی.

روایات موجود در این مسئله به جهت تعدد و اختلاف در کیفیت بیان مسئله، برداشت‌های بسیار گوناگون فقها و وجه جمع‌های متفاوت برای غلبه بر تعارض بدوی بین روایات را در پی داشته است. بررسی همه اقوال و مستندات آن‌ها فراتر از گنجایش یک مقاله پژوهشی است. این پژوهش در پی بررسی و نقد مستندات دیدگاه دوم است. شیخ طوسی رحمته الله در استبصار و همچنین برخی از دیگر فقها این وجه را محتمل دانسته اند. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، صص ۸۴-۸۵، ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۶، محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵۷، علامه حلی، بی تا، ج ۶، ص ۳۲، فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۲۵). مشهور فقهای متأخر بعد از علامه حلی نیز همین نظر را برگزیده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۵، شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۲، محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳، فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۸۳، ملا احمد نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۶۱). از متأخران متأخران نیز برخی از صاحبان تعلیق بر عروۃ الوثقی همانند محققان سید ابوالحسن اصفهانی، سید احمد خوانساری، شیخ محمدرضا آل یاسین و سید عبد

الهادی شیرازی همین نظر را انتخاب کرده‌اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۵۵). آیت الله شبیری زنجانی از فقهای معاصر نیز بر همین عقیده است. البته دیدگاه ایشان تفاوتی با دیگران که قائل به حرمت تکلیفی هستند دارد که تفصیل آن در بررسی ادله اقوال روشن خواهد شد. ایشان قائل به بطلان روزه بدون لزوم قضا و کفاره است (شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۵۲).

مهم‌ترین دلیل قائلان به این دیدگاه، روایات نهی‌کننده از ارتماس روزه‌دار در آب است، اما برخی از فقها لزوم اجتناب از ارتماس به جهت احتیاط از ورود آب از منافذ سر به داخل حلق و برخی نیز لزوم احتیاط در این شبهه به جهت یقین به برائت ذمه را مستند این فتوا دانسته‌اند. در این پژوهش، ابتدا امکان استدلال به روایات و در مرحله بعد دو دلیل دیگر بررسی می‌شود.

۲-۲. بررسی روایات ارتماس

با بررسی روایات باب، روشن می‌شود که چهار دسته از روایات در این مورد وجود دارد. دسته اول از روایات، ظهور اولی آن‌ها مفطر بودن ارتماس برای روزه‌دار است. دسته دوم، از ارتماس و فروبردن سر در آب در حال روزه نهی می‌کند. دسته سوم، نهی از ارتماس روزه‌دار همراه با نهی از ارتماس در حالت احرام وارد شده است. دسته چهارم، قدر مشترک دلالت روایات آن، نفی وجوب قضا است. در هر دسته بیش از یک روایت وجود دارد؛ اما به جهت رعایت اختصار، از هر دسته، یک روایت معتبر از جهت سند ذکر می‌شود. همچنین به جهت عدم اختلاف فقها در اعتبار روایات مطرح شده به لحاظ سند، از بحث سندی مبسوط پرهیز می‌شود. نکته مهم وجود و یا عدم وجود جمع عرفی بین روایات در این مسئله است. در مرحله بعد بررسی امکان ترجیح برخی از روایات در فرض عدم امکان جمع عرفی است. آخرین مرحله بعد از عدم وجود جمع عرفی و ترجیح، بررسی اصل عملی در مسئله است. در این پژوهش بررسی دلالتی روایات و امکان جمع بین آن‌ها فقط از زاویه خاص مربوط به دیدگاه یاد شده از بین دیدگاه‌های در مسئله انجام می‌شود.

۱-۲-۲. دسته اول: مفطر بودن ارتماس

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْنُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَّبَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ وَالنِّسَاءَ وَالْإِرْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۰ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۱).

این روایت به پنج طریق در وسائل ذکر شده است که در سه طریق روایت صحیح است.

در این حدیث، اجتناب از سه مورد که از جمله آن‌ها ارتماس و فرورفتن در آب است؛ سبب عدم ضرر دیگر کارها به صائم معرفی شده است. به نظر می‌رسد که ضرر به صائم به جهت خلل در صوم اوست. در اینکه مقصود از ضرر به صائم چیست؛ احتمال‌های متعددی وجود دارد که دو احتمال مهم چنین است:

۱- مقصود از عدم ضرر به صائم عدم ضرر به صوم او به جهت ابطال روزه باشد. این احتمال که موافق با ظاهر روایت است، نتیجه‌اش مبطل و مفطر بودن ارتماس نسبت به روزه است.

۲- ممکن است مقصود، معنای اعم از ضرر به جهت بطلان و یا ارتکاب حرام غیرمفطر در روزه باشد؛ در این صورت با توجه به معلوم بودن مبطل و مفطر بودن اکل و شرب و نکاح، احتمال حرمت تکلیفی تنها در مورد ارتماس وجود دارد. در این وجه، روایت دلالت بر مبطل و مفطر بودن ارتماس ندارد و حداکثر حرمت تکلیفی ارتماس را ثابت می‌کند.

۲-۲-۲. دسته دوم: نهی از فروبردن سر در آب

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الصَّائِمُ يَسْتَنْفِعُ فِي الْمَاءِ وَيَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ وَ يَتَبَرَّدُ بِالثَّوْبِ وَ يَنْضِجُ بِالْمَرْوَةِ وَ يَنْضِجُ الْبُورِيَاءَ تَحْتَهُ وَ لَا يَغْمِسُ رَأْسَهُ فِي الْمَاءِ.

این روایت با سند فوق در کافی نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۳).
راویان همه ثقه و روایت صحیح است.

در این روایت، امام باقر علیه السلام بعد از بیان جواز استنقاع و فرورفتن در آب و ریختن آب بر سر و خنک کردن بدن با لباس [مرطوب] و آب پاشیدن با بادبزن و آب پاشیدن روی بوریایی که روی آن می‌نشینند برای روزه‌دار از فروبردن سر در آب نهی فرموده‌اند. این نهی بدون قرینه خاص، ظهور در حرمت این عمل برای روزه‌دار دارد. اما نسبت به حرمت وضعی با تسلّم نکته‌ای که فقها در نهی از جزء و شرط در عبادت مرکبه بیان کرده‌اند و این نهی را ارشاد به مانعیت دانسته‌اند؛ می‌توانیم این روایت را ظاهر در مفطر بودن ارتماس سر در آب برای روزه‌دار بدانیم. در این صورت، دیگر نهی ارشادی، ظهوری در حرمت نفسی ارتماس نخواهد داشت، البته اگر روزه واجب معین، مثل روزه ماه مبارک رمضان و یا روزه نذر معین باشد و ادامه روزه بر روزه‌دار واجب باشد و ابطال روزه بر او حرام باشد، از این جهت ارتماس هم حرام خواهد بود.

۲-۲-۳. دسته سوّم: نهی از ارتماس روزه‌دار و مُحَرَّم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَرْتَمِسِ الْمُحَرَّمُ فِي الْمَاءِ وَ لَا الصَّائِمُ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۵۳/۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۵).
راویان روایت، همه ثقه هستند و روایت صحیح است.

امام صادق علیه السلام از ارتماس مُحَرَّم در آب و همین‌طور از ارتماس صائم در آب نهی فرموده‌اند که ظهور اوّلی این روایت، حرمت هر دو مورد است. مؤید این استظهار عدم خلاف در حرمت ارتماس مُحَرَّم است. اما نسبت به حرمت وضعی و مفطر بودن ارتماس صائم، ظهوری در این روایت وجود ندارد، بلکه باتوجه به عدم بطلان حج و احرام به جهت ارتماس، ظهوری سیاقی در عدم مفطر بودن ارتماس وجود دارد و اگرچه این ظهور، ضعیف بوده و در صورت معارضه با ظهورهای قوی‌تر قابل تأویل است.

۲-۲-۴. دسته چهارم: نفی وجوب قضا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ صَائِمٌ ارْتَمَسَ

فِي الْمَاءِ مُتَعَمِّدًا عَلَيْهِ قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ وَلَا يَعُودَنَّ (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۴۳).

شیخ طوسی این روایت را با طریق فوق ذکر کرده است. راویان همه ثقات و از اجلاء هستند و طریق صحیح است. مشکل سند فقط در عمران بن موسی به جهت تردید بین موسی بن عمران خشاب و موسی بن عمران زیتونی است که راوی اول مجهول و دومی ثقة است. اما با تحقیق برخی از محققان، وثاقت او به جهت اثبات عدم وجود راوی اول و انحصار راوی در همان زیتونی که موثق است، ثابت می‌شود (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۱، ص ۱۶۳؛ شبیری زنجانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۴-۳۵). بنا بر تحقیق روایت به لحاظ سند موثق است.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند مرد روزه‌داری عمداً در آب فرومی‌رود، آیا قضای آن روز واجب است؟ امام علیه السلام می‌فرمایند، قضای آن روز بر او واجب نیست، اما دوباره این کار را تکرار نکند.

نکته قابل توجه این است که در سؤال راوی سخن از ارتماس است که در روایات متعددی مورد نهی قرار گرفته است. اما در بررسی روایات قبل بیان شد که اطلاق نهی از ارتماس با روایات نهی از خصوص ارتماس سر تقیید می‌شود، به این معنا که با وجود روایات مقیده و ظهور دو دسته روایت در وحدت حکم، معلوم می‌شود اطلاق ظاهر در آن روایات مراد جدی امام علیه السلام نبوده است. حال در این روایت هم ارتماس در کلام راوی مطلق است و دو احتمال در آن وجود دارد، ارتماس تمام بدن و ارتماس بدن غیر از سر. امام علیه السلام بدون استفصال جواب داده‌اند که قضای آن روز واجب نیست. این ترک استفصال ظهوری بدوی در عدم وجوب قضا در مطلق ارتماس دارد ولو اینکه سر هم در آب فرو رفته باشد. اما این ظهور در عدم وجوب قضا مثل همه ظهورهای دیگر، امکان تأویل و یا تقیید آن در صورت وجود قرینه و یا مقید و عرفی بودن تأویل و یا تقیید وجود دارد.

۲-۳. استدلال‌های مختلف برای اثبات دیدگاه دوم

کیفیت استدلال همه قائلان به این دیدگاه یکسان نیست، بیشتر صاحبان این دیدگاه

از فقهای متقدم و متأخر با تمسک به روایات دسته دوم و سوم که از فروبردن سر در حال روزه و ارتماس صائم نهی کرده است، حرمت ارتماس در آب را اثبات نموده‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵۷؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۲). محقق نراقی با اشکال در استدلال به روایات دو دسته فوق به روایت فقه رضوی از روایات دال بر مفطر بودن ارتماس برای اثبات حرام بودن این فعل استناد نموده است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، صص ۲۶۱-۲۶۲).

همچنین بسیاری از فقها برای نفی قضا و کفاره به موثقه اسحاق بن عمار در دسته چهارم، استناد نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵۷ و علامه حلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳). دلیل دیگر گروهی از فقها عدم وجود دلیل برای اثبات قضا و کفاره و نفی احتمال آن با جریان اصل در مسئله است (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۶۳؛ محقق ماحوزی، ۱۴۳۰ق، صص ۲۷۷-۲۸۶). برای تمام شدن استدلال به این روایات باید به اشکالات وارد شده بر این استظهار حرمت از روایات دسته دوم و سوم پاسخ داده شود. به علاوه باید رابطه این روایات با دسته اول و چهارم و وجود و یا عدم وجود تعارض مستقر بین آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۴. بررسی اشکالات وارده بر استظهار حرمت تعبّدی

سه اشکال عمده بر این استظهار وارد شده است که در این قسمت به طرح اشکالها و پاسخ‌های داده شده و یا محتمل آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۴. خبری بودن نفی ارتماس در روایات دسته دوم و سوم

اشکال محقق نراقی رحمته الله بر استدلال به روایات یاد شده این است که آنچه در این روایات معتبر و صحاح آمده، نهی نیست و نفی است و جمله اخبار در مقام انشا است و معلوم نیست که انشا تحریم باشد و دلالت بر حرمت ندارد، و به همین جهت به روایت فقه رضوی که بسیاری از فقها اصل استناد کتاب به امام علیه السلام را ثابت ندانسته‌اند، برای اثبات حرمت استدلال کرده است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، صص ۲۶۱-۲۶۲).

این اشکال همان‌طور که از سوی برخی از محققان پاسخ داده شده است، ناتمام

است. دلالت جمله خبری در مقام انشای حکم شرعی و یا اخبار از تشریع اگر بر امرونی‌های شدیدتر نباشد، ضعیف‌تر نیز نیست و انشای بعث و زجر در جملات خبری مثبت و منفی امری متداول در نزد عرف است (شبییری زنجانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳).

۲-۴-۲. لزوم تقیید روزه به روزه واجب معین

شیخ انصاری رحمته‌الله نتیجه استظهار تحریم از این روایات را لزوم تقیید روزه به روزه واجب معین و اخراج روزه مستحب و واجب موسّع از اطلاق روزه در روایات و یا التزام تحریم در روزه مستحب و واجب موسّع در موارد اراده ادامه‌دادن روزه با وجود جواز افطار در این دو مورد - شبیه حرمت تکفیر (تکّثف) در نماز مستحب با وجود جواز قطع - شمرده است که این استثنا خالی از اشکال نیست (شیخ انصاری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶).

به نظر می‌رسد اشکال مورد نظر شیخ انصاری در استثنا، استبعاد ذاتی این تفصیل بین حکم ارتماس در صورت اراده ادامه روزه و اراده افطار است که موجب تضعیف ظهور این نواهی در حرمت تکلیفی می‌شود. احتمال دیگر اشکال در تنظیر است. اصل تنظیر حرمت ارتماس در روزه مستحب با حرمت تکّثف در نماز مستحب از محقق سبزواری رحمته‌الله است (سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۰۴). فرزند محقق خوانساری نیز بر همین دیدگاه تأکید کرده است (خوانساری، ۱۳۱۱ق، ص ۳۴۶). محقق همدانی رحمته‌الله این قیاس را مع الفارق دانسته است، زیرا تکّثف از باب تشریع، حرام است؛ در حالی که ارتماس عملی فی نفسه جائز است و ربط‌دادن حرمت آن به روزه مستحب نیز امری بعید است. البته با توجه به عدم علم ما به ملاکات احکام، محال نیست. همین استبعاد سبب انصراف در معنای روایت می‌شود (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، صص ۳۸۸-۳۸۹).

به نظر نگارنده استبعاد تعبّد مذکور سبب می‌شود که صوم در این روایات، منصرف به همان صوم واجب معین شود و در این صورت دیگر روایات ناظر به ارتماس در روزه غیر واجب معین نخواهد بود و لزوم تفصیل در حکم ارتماس در روزه مستحبی در صورت اراده استمرار و اراده افطار برطرف خواهد شد، البته

اشکال جدیدی پیدا می‌شود و آن استبعاد عدم تعرض حکم ارتماس در غیر روزه واجب معین در این روایات است که این استبعاد تقویت‌کننده اطلاق صوم در این روایات است. کلام محقق همدانی نیز در دفع و بازگشت اشکال تمام است؛ بنابراین استظهار حرمت از این روایات خالی از محذور نیست.

۳-۴-۲. لزوم تقیید مفطرات دیگر به واجب معین

اشکال دیگر شیخ انصاری بر استظهار حرمت تکلیفی ارتماس این است که لازمه حرمت تعبّدی این است که در روایت ابن مسلم که سه مورد از مفطرات دیگر نیز ذکر شده است، روزه به واجب معین مقید شود که این هم خالی از اشکال نیست (شیخ انصاری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶).

به نظر می‌رسد اشکال اخیر ناظر به یکی از دو محذور باشد، ۱- لزوم استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، به جهت استعمال «الصائم» در سایر مفطرات در معنای مطلق خود و در خصوص ارتماس در معنای مقید به صوم معین؛ ۲- محذور تقیید «الصائم» در روایت صائم به صوم معین، به شکلی که برای اثبات مفطر بودن سه مفطر دیگر در غیر واجب معین نیاز به دلیلی دیگر غیر از صحیح ابن مسلم باشد که این هم فی‌نفسه خلاف ظاهر اطلاق الصائم در این روایت است.

به نظر نگارنده، این اشکال با تأویل ضرر به معنای جامع ذکر شده در بررسی دلالت صحیح محمد بن مسلم برطرف می‌شود، یعنی ضرر در مورد صوم واجب معین، ضرر به معنای عقوبت و در مورد غیر واجب معین به معنایی پایین‌تر از عقوبت است که سبب اجمال روایت به لحاظ حکم ارتماس در غیر روزه واجب معین می‌شود. البتّه تنافی این راه‌حل با ظهور روایت در بیان حکم ارتماس در مورد تمام روزه‌ها قابل‌انکار نیست و به نظر می‌رسد این اشکال نیز همانند اشکال گذشته پاسخ کافی نداشته باشد. نتیجه نهایی این است که حمل روایات باب بر حرمت تکلیفی، اشکالاتی بدون پاسخ به دنبال دارد و همین اشکال‌ها برای عدم امکان التزام به قول سوم کافی است؛ بنابراین نهی در این روایات را باید بر معنایی غیر از حرمت تعبّدی و تکلیفی حمل کرد.

۳. بررسی رابطه روایات نهی کننده با روایات دسته اول و چهارم

جهت دیگری که در مورد استناد به روایات مذکور برای اثبات حرمت تکلیفی غیر از اشکالات داخلی ذکر شده باید مورد بررسی قرار بگیرد؛ رابطه این روایات با دسته اول که ظهور در مفطر بودن ارتماس دارد و روایات دسته چهارم که ظهور در عدم وجوب قضا دارد، است. آیا این روایات با این دو دسته روایات به ظاهر متعارض، جمع عرفی مورد قبول دارد و یا تعارض بین آنها تعارض مستقر است و باید قواعد باب تعارض بین روایات اعمال شود.

در مقایسه روایات ناهیه با روایات دسته اول هیچ تنافی ذاتی وجود ندارد، زیرا بر اساس روایات دسته اول ارتماس، سبب بطلان روزه و بر اساس روایات دسته دوم و سوم، ارتماس، حرام است و حرمت و مبطل بودن ارتماس با هم قابل جمع است.

این روایات با موثقه عمّار که نهی از ارتماس در آن هم آمده است و فقط نفی وجوب قضا شده است تعارضی و لو غیرمستقر ندارد، زیرا ملازمه‌ای بین حرمت و وجوب قضا نیست. اما با روایات دیگر این دسته که ارتماس را مکروه شمرده است، تعارضی بدوی دارد که آن هم با تأویل یکی از دو دسته قابل برطرف شدن است. به نظر می‌رسد که با توجه به موارد متعدد استعمال لفظ کراهت در موارد حرام‌های شرعی در قرآن^۱ و روایات^۲ ظهور روایات نهی کننده در حرمت قوی‌تر از روایات کراهت است. نتیجه دو تحقیق فوق این است که ظهور روایات نهی کننده در حرمت با روایات دسته چهارم تنافی ندارد. همچنین تعارض دسته اول و چهارم نیز با یکدیگر حتی اگر تعارض مستقر باشد، خللی به استدلال به این روایات برای اثبات حرمت وارد نمی‌کند.

۱. به عنوان مثال در سوره اسراء بعد از بیان بزرگ‌ترین گناهان مثل کشتن فرزندان، زنا و قتل نفس و... از آیه ۳۱ تا ۳۷ در آیه بعد بر همه این سیئات اطلاق مکروه شده است: «كُلُّ ذَالِكْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا».

۲. به عنوان مثال یکی از اقسام روزه حرام، صوم الدهر است که کسی همه سال حتی عید فطر و عید قربان را روزه بگیرد. در روایتی از این روزه به مکروه تعبیر شده است: وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۵۲۵: «وَسَأَلَ زُرَّازَةُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَوْمِ الدَّهْرِ فَقَالَ لَمْ يَزَلْ مَكْرُوهًا».

در مرحله سوّم وقتی روایات ناهیه با روایات دلالت‌کننده بر مبطل بودن ارتماس و روایات نفی قضا و کفاره مقایسه می‌شود، نوعی تنافی قابل‌انکار نیست، در مفطرات دیگر مثل خوردن و آشامیدن و آمیزش، هم قضا و هم کفاره ثابت است، خود بطلان نیز مناسبت با حداقل قضای روزه دارد. ارتماس نیز در سیاق این مفطرات ذکر شده است، بنابراین ظهور سیاقی مقتضی ثبوت قضا و کفاره در مورد ارتماس است و روایات دسته چهارم صریح در اصل نفی قضا است و ظهور اطلاقی در نفی قضا در همه اقسام روزه و انواع ارتماس، چه ارتماس کامل و چه ارتماس همه بدن غیر از سر و همچنین چه ارتماس از سوی عالم به حکم و چه ارتماس از سوی جاهل به حکم دارد. تنافی بدوی روایات دسته چهارم و دسته اوّل قابل‌انکار نیست.

برخی از قائلان به حرمت تکلیفی ارتماس همچون علامه حلی با پذیرفتن تنافی بدوی بین این روایات در دفع تنافی اشتراک ارتماس با سایر مبطلات مثل خوردن و آشامیدن و نکاح را در اصل ضرر که بین حرمت و ابطال مشترک است شمرده است و قرینه سیاق را بیش از این مطلب مؤثر ندانسته است (علامه حلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳). از فقهای معاصر آیت‌الله شبیری زنجانی که به همین دیدگاه معتقد است توضیح مبسوطی در دفع تنافی و امکان جمع عرفی بین این روایات ذکر کرده است که می‌تواند به منزله شرح کلام علامه حلی با برخی اضافات شمرده شود. نکته اوّل امکان ثبوتی دو احتمال دیگر در مقابل حمل ضرر بر ضرر حرمتی است. احتمال اوّل بطلان روزه بدون وجوب قضا و کفاره و احتمال دوم بطلان روزه و ثبوت کفاره بدون قضا. نکته دیگر قابل‌توجه در کلام ایشان مقایسه ظهور سیاقی ادله دسته اوّل با ظهور سیاقی در آیه شریفه «الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (البقره: ۱۹۷)^۱ در باطل شدن حج به وسیله فسوق و جدال همچون بطلان آن به سبب آمیزش است که عطف وجود دارد که روایات مانع عمل به این ظهور است؛ بنابراین با وجود قرینه‌ای همچون مؤثقه جایی برای عمل به این ظهور نخواهد بود (شبیری زنجانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۶-۱۷).

۱. «حج، در ماه‌های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج)، حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست».

۱-۳. دیدگاه نگارنده

دفع تنافی بین روایات دسته اول و چهارم به چهار شکل ممکن است. ۱- ترجیح صراحت روایات دسته چهارم در نفی قضا بر ظهور سیاقی ادله دسته اول در ثبوت قضا و کفاره و تأویل روایات دسته اول. ۲- ترجیح ظهور روایات دسته اول بر اطلاق روایت دوم در ارتماس کامل و تقیید اطلاق روایات دسته چهارم به مورد ارتماس بقیه بدن غیر از سر (نجفی، ۱۴۲۲، ص ۱۶). ۳- ترجیح ظهور روایات دسته اول بر اطلاق روایت دسته چهارم در اشتراک عالم و جاهل در عدم وجوب قضا و اختصاص عدم وجوب قضا به جاهل به حکم. ۴- حمل روایات دسته چهارم بر تقیه با توجه به موافقت عامه با عدم قضا و کفاره (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۱۳۳). هریک از احتمالات چهارگانه به لحاظ ثبوتی ممکن است، اما شرط التزام به هر یک از چهار احتمال عرفی بودن چنین جمعی است. به نظر می‌رسد جمع روایات به شکل اول ترجیح روشنی بر جمع‌های بعدی، به خصوص حمل دسته چهارم بر تقیه ندارد؛ بنابراین در صورت تقدّم جمع‌های دیگر عدم موجه بودن دیدگاه صاحبان این قول روشن است. در فرض عدم ترجیح نیز نتیجه تعارض روایات دسته اول و چهارم با اعمال قواعد ترجیح نافی این دیدگاه خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲۱، ص ۱۶۰).

با توضیح فوق، مناقشه در دیدگاه آیت‌الله شبیری زنجانی نیز روشن است. به نظر نگارنده هر سه احتمال ذکر شده در جمع بین روایات دارای امکان ثبوتی است، اما در مرحله اثبات و مقام استظهار هیچ‌یک از سه احتمال مذکور در کلام ایشان قابل پذیرش نیست. قرینه سیاق که در مورد سه مفطر دیگر در صحیح محمد بن مسلم، علم به حرمت وضعی همراه با ثبوت قضا و کفاره داریم به‌ضمیمه ارتکاز خاص در باب روزه در مورد ملازم بودن بطلان با وجوب قضا مانع جدی از عرفی بودن جمع مطرح شده از سوی ایشان است. مقایسه ظهور سیاقی در مورد مفطرات روزه با محرّمات احرام نیز درست نیست، زیرا در مورد محرّمات احرام در مقابل ظهور سیاقی قرینه قطعی بر مخالفت که همان علم به عدم مبطل بودن جدال و فسوق است، وجود دارد، اما در مورد مفطرات در مورد موثقه عمار سه احتمال دیگر وجود دارد که سبب عدم قرینه بودن این موثقه نسبت به ادله دسته اول می‌شود.

۴. حرمت به جهت احتیاط از داخل شدن آب در حلق

برخی از فقها جعل حرمت ارتماس را از باب احتیاط به جهت غلبه فرورفتن آب از منافذ سر به داخل بدن، ممکن دانسته‌اند (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۴، محقق حلّی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵۶، علامه حلّی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۲، شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۵، فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۸۳ و سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳). به نظر می‌رسد این سخن ریشه در روایت مرسل از امام صادق علیه السلام دارد که در تقسیم‌بندی از روایات دسته چهارم محسوب می‌شود که به جهت ضعف سندى ذکر نشد.^۱

صاحب حدائق علیه السلام بر کلام محقق حلّی و تأیید سید عاملی در بیان وجه تحریم اشکال کرده است که این کلام خالی از تکلف و بُعد نیست و این توجیه فقط برای کراهت صلاحیت دارد نه تحریم و به علاوه ادعای وصول غالبی آب به داخل بدن را نیز انکار کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۱۳۶).

محقق همدانی اشکال صاحب حدائق در مناسبت این احتیاط با کراهت تعبّدی را نیز غیر وارد دانسته است و تأکید نموده است که احتیاط هم با حرمت و هم با کراهت مناسبت دارد، اما باز هم عدم مناسبت حرمت تعبّدی از باب احتیاط در مورد روزه مستحبّی را نمی‌توانیم انکار کنیم. نتیجه نهایی به نظر ایشان بعید بودن حرمت تعبّدی ارتماس در حال روزه است (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۳۸۹).

به نظر نگارنده این احتمال وجود دارد که در صورت ارتماس صائم آب از مجاری گوش و بینی او وارد فضای دهان و حلق او شود و از حلق او نیز بگذرد. اگر این احتمال به اطمینان و یا یقین برای مکلف تبدیل شود، نهی از ارتماس در واقع به نهی از خوردن آب برمی‌گردد و ارتماس مفطر مستقلّی نخواهد بود. اما اگر احتمال از مرحله ظنّ فراتر نرود، نهی از ارتماس ممکن است، نهی ارشادی و به جهت احتراز از واقع شدن در ارتکاب شرب باشد، در این صورت، نهی غیر مولوی است و اثری در بطلان روزه و وجوب قضا و كفاره نخواهد داشت و آنچه سبب بطلان است، محقق شدن خوردن آب است؛ بنابراین در مورد روزه واجب موسع و

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۷۵: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: أَنَّهُ كُرِهَ لِلصَّائِمِ شَمُّ الطَّيِّبِ وَ الرِّيحَانِ وَ الْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ خَوْفًا مِنْ أَنْ يَصِلَ مِنْ ذَلِكَ فِي حَلْقِهِ شَيْءٌ».

روزه مستحبّ که آب خوردن حرام نیست و سبب افطار می‌شود، ارتماس در صورت اطمینان فرورفتن آب از حلق موجب خوردن و آشامیدنِ جائز و سبب افطار خواهد شد و حرمتی نخواهد بود.

۵. مقتضای اصل عملی در حکم تکلیفی ارتماس

برخی از فقها در زمره ادله منع ارتماس، یقین به براءة ذمه از روزه واجب را ذکر کرده‌اند که رجوع به اصل عملی در مسئله است (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۴؛ سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳). به همین جهت در این قسمت به بررسی اصل عملی مرجع در صورت قول به اجمال و یا تعارض و تساقط روایات باب می‌پردازیم.

بحث اصل عملی باید در دو بخش اصلی شبهه حکم تکلیفی و شبهه حکم وضعی بطلان به جهت ارتماس انجام شود و در هر بخش نیز مقتضای اصل عملی در سه فرض واجب مضیق، واجب موسّع و روزه استحبابی بررسی شود. در این نوشتار که فقط شبهه حکم تکلیفی بررسی شده است، اصل عملی نیز فقط در این قسمت مطرح می‌شود.

۵-۱. واجب مضیق

شک در حکم ارتماس در روزه واجب مضیق مانند روزه ماه مبارک و یا نذر و یا عهد روزه روز معین و یا قضای ماه مبارک رمضان در ضیق وقت و یا روزه واجب اعتکاف از دو جهت شک در حرمت ارتماس و یا شک در وجوب عدم ارتماس در حال روزه قابل بررسی است. به لحاظ شک در حرمت، شبهه حکمیّه تحریمیّه در اصل تکلیف مقید است، یعنی شک در حرمت ارتماس مقید به وقوع آن در حال روزه است. علمای اصولی بر خلاف علمای اخباری در مطلق شبهات حکمیّه اعم از وجوبیّه و تحریمیّه قائل به جریان براءة هستند، بنابراین مرجع در این فرض اصل براءة است. این شبهه از جهت شک در وجوب ترک ارتماس شبهه‌ای از شبهات حکمیّه وجوبیّه دائر بین اقل و اکثر است. زیرا اصل اتیان روزه وجوب آن معلوم است و حرمت ابطال آن هم روشن است و شک در این است که آیا روزه معلوم

الوجوب مشروط به عدم ارتماس هم هست یا نه و یا به عبارت دیگر ارتماس مانعیت نسبت به روزه دارد یا نه؟ در این جهت بین اصولیین اختلاف دیدگاه وجود دارد. مشهور اصولیون بعد از شیخ انصاری در موارد شبهات حکمیّه دوران امر بین اقل و اکثر قائل به جریان براءت عقلی و شرعی شده‌اند. شیخ انصاری در موارد شک بین اقل و اکثر در شبهه حکمیّه فقدان نصّ در مورد شک در جزء خارجی فرموده است که در کلمات فقهای متقدّم بر محقّق سبزواری کسی را سراغ ندارد که مبنای او لزوم احتیاط در چنین شبهاتی باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص ۴۵۹-۴۶۰). البته از برخی از کلمات سیّد مرتضی، شیخ طوسی و شهید لزوم احتیاط در این موارد استفاده می‌شود، ولی خلاف این نظر هم در کلمات آن‌ها دیده می‌شود. به هر حال مختار شیخ انصاری در این مسئله جریان براءت است. ایشان در موارد شک در قید و جزء ذهنی هم مختار خود را اصل براءت معرفی نموده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۹).

همان‌طور که در استدلال برخی از فقهای متقدّم و کلام محقّق سبزواری در مسئله ارتماس روزه‌دار روشن شد، آن‌ها قائل به لزوم احتیاط در این مسئله شده‌اند. اگر در این مسئله اصولی همگام با مشهور قائل به جریان اصل براءت باشیم، در صورت تعارض روایات باب و عدم ترجیح و قول به تساقط، اصل عملی مرجع در این مسئله براءت است و ارتماس برای روزه‌دار منعی نخواهد داشت. اما اگر همانند محقّق سبزواری قائل به لزوم احتیاط در این مسئله اصولی شدیم، وظیفه لزوم اجتناب از ارتماس خواهد بود. البته این غیر از حرمت شرعی است و حکمی ظاهری برای امنیت از عقاب است.

۲-۵. واجب موسّع

شک در حکم ارتماس در روزه‌های واجب موسّع هم از هر دو جهت شک در حرمت ارتماس در حال روزه و شک در وجوب ترک ارتماس در حال روزه قابل بررسی است که در هر دو جهت با همان بیان مذکور در مورد واجب مضیق مرجع اصل براءت است.

۳-۵. روزه مستحب

در روزه مستحب هم به جهت اینکه ثبوتاً امکان حرمت ارتماس در روزه مستحب و وجوب ترک ارتماس در آن وجود دارد، همان دو شبهه در حرمت ارتماس در حال روزه و وجوب ترک ارتماس در حال روزه مطرح است و در هر دو فرض با همان بیان مذکور در واجب مضیق مرجع اصل براءت است. البته جریان اصل براءت در صورتی است که به لحاظ اثبات قطع به عدم حرمت ارتماس در روزه مستحب و عدم وجوب ترک ارتماس نداشته باشیم، زیرا با وجود قطع جایی برای جریان اصل عملی نیست. با قبول جریان اصل براءت در هر سه مورد فوق روشن شد که اصل عملی نیز مستندی برای اثبات حرمت ارتماس، حتی به عنوان حکم ظاهری نمی تواند باشد.

نتیجه گیری

با بررسی ادله چهارگانه برای امکان اثبات حرمت تکلیفی ارتماس روزه دار و عدم حرمت وضعی، هیچ یک کافی تشخیص داده نشد که بیان مستقل آن به شرح ذیل است:

۱- استظهار حرمت تکلیفی از روایات نهی کننده از ارتماس با اشکالات بدون پاسخی مواجه است.

۲- در تنافی بین روایات دلالت کننده بر مفطر بودن ارتماس و روایات نهی کننده از ارتماس روایات دسته اول حاکم بر روایات ناهیه است و ازاین جهت نیز استظهار حرمت تکلیفی از روایات ناهیه با مشکل مواجه است؛ اما روایات ناهیه با روایات دسته چهارم که نفی وجوب قضا و كفاره در مورد ارتماس نموده است، تنافی مدلولی ندارد و حرمت تکلیفی با عدم وجوب قضا و كفاره قابل جمع است.

۳- اثبات حرمت ارتماس به جهت احتیاط از وارد شدن آب به حلق نیز دلیل قابل قبولی ندارد.

۴- در صورت فقدان دلیل اجتهادی در مسئله حکم تکلیفی ارتماس مرجع اصل عملی براءت در حالات مختلف این مسئله است و باز هم حرمت قابل اثبات نیست.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة. چاپ اول، قم؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم، بیرون - لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). المقنعة. چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا). تذکرة الفقهاء. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۸. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. حلی، محقق، نجم‌الدین (جعفر بن حسن) (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. چاپ اول، قم، مؤسسه سید الشهداء.
۱۰. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم السلام. چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم السلام.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية. چاپ اول، بیروت - لبنان: دار العلم للملایین.
۱۲. خوانساری، رضی‌الدین بن آقا حسین بن محمد (۱۳۱۱ق). تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس. چاپ اول، قم - ایران: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. چاپ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. چاپ پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۳ق). کتاب الصوم. چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۶. زنجانی، سید موسی شبیری (بی تا). دروس خارج صوم. قم: مرکز فقهی امام محمد باقر.
۱۷. زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۲۸ق). المسائل الشرعیة. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر الفقه‌آه.

۱۷. سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۷ق). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. چاپ اول قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۵ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیة، چاپ اول قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. چاپ اول تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. چاپ اول قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۲۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد. چاپ اول قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان‌العلماء). چاپ اول قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۳. عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء (۱۴۱۳ق). حیاة ابن أبی عقیل و فقهه. چاپ اول قم: مرکز المعجم الفقهی.
۲۴. محقق ماحوزی، سلیمان بن عبدالله (۱۴۳۰ق). رسالة فی حکم الارتماس للصائم. تحقیق: الغفوری، خالد. فی رحاب المكتبة الفقهیة، فقه أهل البيت (عربی). ۵۴ (۱۴)، ۲۷۷-۲۸۶.
۲۵. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ق). المقنع (للشیخ الصدوق). چاپ اول قم: مؤسسه امام هادی.
۲۶. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۲۵ق). الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام. چاپ اول تهران: دار نشر اللوح المحفوظ.
۲۷. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۸. کیخا، محمدرضا، و مؤذنی، حمید (۱۴۰۰ش). تأملی بر حکم ابطال روزه با فروبردن سر در آب. جستارهای فقهی و اصولی. ۷ (۴)، ۱۳۳-۱۶۰.
۲۹. مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶ق). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. چاپ ششم. قم: نشر الهادی.
۳۰. مشکینی، میرزا علی (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا.
۳۱. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۳۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. چاپ دهم. بیروت - لبنان: دار التیار الجديد - دار الجواد.
۳۳. منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیه السلام (۱۴۰۶ق). الفقه - فقه الرضا. چاپ اول مشهد: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۳۴. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة - کتاب الصیام. چاپ اول: نجف اشرف - عراق. مؤسسه کاشف الغطاء.

۳۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*. چاپ اول قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۶. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق). *مصباح الفقيه*. چاپ اول قم. مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۷. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی (المحشی)*. چاپ اول قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

